

ناکامی اجلاس جهانی کپنهاگ و ادامه فجایع انسانی

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

نشست کپنهاگ، پایتخت دانمارک، نخست قرار بود از ۱۶ تا ۲۷ آذر ۱۳۸۸ برابر با ۷ تا ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹، برگزار شود، اما به دلیل عدم دسترسی به نتایجی، یک روز دیگر نیز به آن اضافه شد. مهم‌ترین هدف این نشست دست یابی به تدوین پیمانی بود که به کاهش سیستماتیک مقدار گازکربنیک موجود در هوا که مسبب اصلی گرمایش زمین است. سران و هیات‌های نمایندگی ۱۲۰ کشور، در اجلاس جهانی تغییرات آب و هوایی در کپنهاگ، دو هفته بر سر چگونگی کاهش گازهای گلخانه‌ای، یعنی جدی‌ترین خطری که محیط زیست را تهدید می‌کند، به بحث و بررسی پرداختند اما سرانجام به راهکارهای جدی و موثر مشترکی نرسیدند. حتی هیچ‌گونه بحثی بر سر اجرای تعهد و ضمانت توافقات حاصله نیز مطرح نکردند.

از سوی دیگر گروه موسوم به ۷۷، متشکل از ۱۲۰ کشور در حال توسعه، توافق نامه حاصله پایانی نشست کپنهاگ را بدترین توافق نامه در طول تاریخ توصیف کرد. سازمان غیردولتی موسوم به «دوستان زمین» اعلام کرد بیانیه پایانی اجلاس فاجعه‌ای برای کشورهای فقیر است.

در روزهای اجلاس کپنهاگ، تظاهرات مخالفان جهانی سازی و طرفداران محیط زیست، در مقابل ساختمان برگزاری این کنفرانس، برگزار می‌شد و علیه جهانی سازی و سیاست‌های ویرانگر سرمایه داری شعار دادند. هم‌چنین سازمان‌ها و احزاب و نهادهای دموکراتیک و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی نیز علاوه با شرکت در این تظاهرات‌ها، تظاهرات‌های جداگانه‌ای نیز در افشای جنایات حکومت اسلامی و به ویژه در اعتراض به حضور پاسدار احمدی نژاد، رئیس جمهوری حکومت جهل و جنایت اسلامی در این اجلاس برگزار کردند.

منتقدان توافقات اجلاس کپنهاگ، بر این عقیده‌اند که پیش‌نویس توافق حاصله میان آمریکا، چین، هند و آفریقای جنوبی، درخواست‌های محوری گزارش سازمان ملل از تغییرات آب و هوایی برای جلوگیری از پیامدهای فاجعه‌بار ناشی از گرم‌تر شدن کره زمین را تامین نمی‌کند. به باور آن‌ها، این توافق حاوی هیچ‌گونه گام معینی برای کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن نیست.

از جمله نکات مهم مورد اختلاف میان کشورهای، کمک‌های مالی برای کشورهای در حال توسعه، التزام حقوقی برای رعایت کاهش گاز دی‌اکسید کربن و نظارت بین‌المللی بر اهداف اقلیمی در کشورهای توسعه یافته بود.

در میان کشورهای صنعتی، این اختلاف وجود داشت که هر کدام تا چه حد از پخش و نشر گازهای گلخانه‌ای خود بکاهد. این که آیا پیمان جدید هم مانند پیمان کنونی، یعنی پیمان کیوتو، تعهداتی بین‌المللی و الزام‌آور برای کشورها ایجاد کند نیز دیگر مسأله مورد اختلاف است. شورای اقلیمی سازمان ملل، در تحقیقاتی که انجام داده است، به این نتیجه رسیده که محدود کردن گرمایش زمین تا سطح ریسک آمیز ۲ درجه و معکوس کردن این روند در دهه‌های آینده، مستلزم یک کاهش ۲۵ تا ۴۰ درصدی در پخش و نشر گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۲۰ است.

اتحادیه اروپا اصرار دارد که برای تعیین تعهدات هر کشور در زمینه کاهش پخش و نشر گازهای گلخانه‌ای، رقم تولیدی آن کشور در سال ۱۹۹۰ مبنای قرار گیرد و اجرای پیمان جدید هم برای همه الزام‌آور باشد. این اتحادیه راساً قصد دارد گازهای گلخانه‌ای خود را تا سال ۲۰۲۰ در قیاس با سال ۱۹۹۰ به میزان ۲۰ درصد کاهش دهد. در صورتی که کشورهای دیگر تعهداتی قابل اعتنا در این زمینه به عهده بگیرند، اتحادیه اروپا سهم خود را تا ۲۰ درصد افزایش خواهد داد.

ژاپن هم اعلام کرده است که تا سال ۲۰۲۰، ۲۵ درصد از پخش و نشر گازهای گلخانه‌ای خود خواهد کاست. روسیه نیز هدفی مشابه هدف اتحادیه اروپا را اعلام کرده است. منتهی انجام چنین تعهدی از سوی روسیه، به معنای آن است که می‌تواند تولید گازهای گلخانه‌ای خود را افزایش دهد. از سال ۱۹۹۰ که اتحاد شوروی فروپاشید، تولیدات صنعتی روسیه مسیر معکوس طی کرده است. زیرا بسیاری از صنایع این کشور، از کار افتاده یا از دور خارج شده‌اند. این امر سبب شده که پخش و نشر گازهای گلخانه‌ای در روسیه به طور ناخواسته به شدت کاهش یابد.

در میان کشورهای صنعتی، سخت‌ترین مواضع را آمریکا، کانادا و استرالیا دارند. آن‌ها هم چنان تمایلی ندارند که در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای، خود را به ارقام و قید و بندهایی هم‌چون پیمان کیوتو مقید کنند.

در آمریکا، یعنی کشوری که به لحاظ سرانه بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در دنیاست، کنگره هم چنان در تصویب قانون حفاظت از جو زمین تعلل می‌ورزد.

چین که تولیدکننده بیش‌ترین گازهای گلخانه‌ای در دنیاست، اعلام کرده که خود داوطلبانه در تولید گازهای گلخانه‌ای تعهدات معینی را به عهده خواهد گرفت. در همین راستا، این کشور قصد دارد با حفظ سطح رشد اقتصادی بالای کنونی، تا سال ۲۰۲۰ تولید گازهای گلخانه‌ای را در ازای هر یک دلار تولید ناخالص ملی خود، در مقایسه با سال ۲۰۰۵، به نصف کاهش دهد. کارشناسان معیار ارائه شده از سوی چین را تعهدی جدی به حساب نمی‌آورند.

کنفرانس کپنهاگ که قرار بود روز هجدهم دسامبر ۲۰۰۹ به پایان برسد، به دلیل مخالفت و عدم توافق برخی از کشورهای در حال توسعه، روز شنبه نیز ادامه یافت.

این کنفرانس، سرانجام پس از دو هفته بحث و بررسی روز شنبه نوزدهم دسامبر، با توافق کشورهای عضو سازمان ملل با مفاد مذاکرات میان چین و آمریکا و به با انتشار بیانیه‌ای به پایان رسید. بر اساس این توافقنامه، کشورهای جهان برای کاهش گرمای زمین تا سطح دو درصد متعهد شده‌اند. اما این بیانیه، بیش از آن که با استقبال روبرو شود، انتقاد و اعتراض به دنبال آورده است.

بر اساس این توافق نامه، هم‌چنین مقرر شده است کمکی به میزان صد میلیارد دلار از سوی کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه اختصاص یابد. این رقم قرار است تا سال ۲۰۲۰ در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار گیرد.

بر اساس این توافق نامه، کشورهای عضو سازمان ملل متعهد شده‌اند برای کاهش دو درجه‌ای دمای زمین تلاش کنند. اما این توافق نامه، ضمن موظف دانستن تمامی کشورهای جهان برای تلاش برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، سقف زمانی برای رسیدن به این میزان را تعیین نکرده است.

از موارد دیگر توافق که قبلاً مورد اختلاف چین با آمریکا بود، نحوه سنجش کاهش آلاینده‌های زیست محیطی کشورهای صنعتی بود.

اما نتایج این مذاکرات و توافقات به دست آمده از سوی سازمان های فعال در زمینه محیط زیست، با واکنش منفی روبرو شده است. کومی نیدو، دبیر کل گروه «صلح سبز» در این باره گفته است: «این توافق نامه به ما اجازه می دهد سورخ های لایه ازون را با هواپیمای مخصوص رییس جمهوری آمریکا پیدا کنیم.»

رییس جمهوری آفریقای جنوبی نیز گفته است از نتایج این مذاکرات کاملاً «سرخورده» شده است.

رابرت اور، یکی از مشاوران اصلی بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل، اجلاس کپنهاگ را یک «درام واقعی» خواند.

بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در پایان اجلاس کپنهاگ گفته است، توافق به دست آمده در اجلاس کپنهاگ درباره تغییرات اقلیمی، انتظارات همه را برآورده نمی کند ولی یک سرآغاز اساسی محسوب می شود.

نیکاراگوئه و ونزوئلا از جمله این کشورها بودند که می گفتند در رسیدن به توافق نهایی، روند معمول رعایت نشده است.

باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا قبل از ترک کپنهاگ، اذعان کرد که توافق به دست آمده کامل نیست.

ایران نیز یک هیات نمایندگی به اجلاس کپنهاگ اعزام کرده بود. محمود احمدی نژاد نیز در روزهای پایانی اجلاس در آن شرکت کرد.

با وجود این که ایران، سهم بالایی در تولید گازهای گلخانه ای دارد اما نه در کاهش این گازها در سطح کشوری و نه در مشارکت در تصمیم گیری ها برای کاهش آن در سطح بین المللی، فعالیت لازم را ندارد.

تحقیقات، گزارشات و آمارهایی درباره تخریب محیط زیست

دانشمندان، همواره درباره علل گرمایش زمین و عواقب و عوارض آن هشدار می دهند. در سال ۲۰۰۷، یخ های قطب شمال به طور ناگهانی و غیرقابل انتظار شروع به آب شدن کردند. در واقع آب شدن این یخ ها به مدت سی سال جلوتر از زمانی بود که اکثریت اقلیم شناسان پیش بینی می کردند.

بحث بر سر کنترل گرمایش کلی کره زمین است. این گرمایش ناشی از افزایش گازهای گلخانه ای در جو زمین است. مهم ترین این گازها، گاز کربنیک است. در مقیاس کوچک تری گازهایی هم چون «متان» و «اکسید نیتروژن» قرار دارند.

در واقع افزایش گاز کربنیک در جو زمین و گرمایش کلی زمین که از دوران صنعتی آغاز شده، تأثیرات محربی بر زندگی و انسان ها و به طور کلی محیط زیست گذاشته است.

براساس آمارهای سال ۲۰۰۹ سازمان کشاورزی و خوار و بار جهانی FAO، تخریب سالانه جنگل ها در مناطق عمده جنگلی کره زمین، به این شرح است: آمریکای جنوبی ۴۵۳۶ هزار هکتار، آفریقا ۴۰۴۰ هزار هکتار، آسیای شرقی ۲۸۴۰ هزار هکتار، اقیانوسیه و آسیای جنوب شرقی ۲۱۱۹ هزار هکتار و... تنها در اروپا، نه تنها این روند تخریبی مشاهده نشده، بلکه بر خلاف سایر نقاط جهان، هر ساله بیش از ۷۳۳ هزار هکتار مناطق جنگلی افزایش داشته است.

در چنین شرایطی، دانشمندان اقلیم شناس پیش بینی کرده اند، در صورتی که روند تخریب جنگل ها و آلودگی ناشی از صنایع و غیره ادامه پیدا کند، طی دویست سال آینده تراکم گاز کربنیک در جو زمین دو برابر خواهد شد.

در حالی که گرمایش چند درجه ای زمین، فاجعه های بزرگی در محیط زیست در پی دارد. دانشمندان پیش بینی کرده اند که در سال ۲۱۰۰، سطح اقیانوس ها بیش از ۳۰ سانتیمتر افزایش یابد، باعث تخریب محیط زندگی صدها میلیون انسان و دیگر جانداران در نزدیکی سواحل دریاها و اقیانوس ها خواهد شد. جزایر بسیاری در اقیانوس هند و آرام به زیر آب رفته و نابود خواهند شد. هم چنین احتمالاً با تکان کوه های زده قطب شمال و جنوب، موقعیت زمین را تغییر خواهد داد.

مشخصاً کشور جزیره ای تووالو، یکی از جزیره های کوچک در اقیانوس آرام است که گفته می شود تا چند ده سال دیگر با بالاتر آمدن سطح آب این اقیانوس بر اثر افزایش دمای کره زمین، از نقشه جهان حذف خواهد شد.

بنا به تحقیقات و پژوهش های ناسا، Nasa که بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، یخ های اقیانوس منجمد شمالی، هر ساله ۱۸ سانتیمتر، از ضخامت آن ها کاسته می شود. این پژوهش ها نشان می دهند که بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹، سطح یخ بسته اقیانوس منجمد شمالی، ۴۲ در صد کاهش یافته است. برخی از پیش بینی پژوهشگران حاکی از آن است که تا سی سال دیگر هنگام تابستان در اقیانوس منجمد شمالی یخی وجود نخواهد داشت.

هم چنین بر اساس گزارش سال ۲۰۰۹ UICN اتحاد بین المللی برای حفاظت محیط زیست، ۲۸ درصد از گونه های گیاهی و حیوانی در حال نابودی هستند.

آژانس بین المللی انرژی AIE، تولید جهانی گازکربنیک را در سال ۲۰۰۷، بیست و نه میلیارد تن گزارش کرده است. بر اساس این گزارش، ده کشور جهان، یعنی چین، آمریکا، روسیه، هند، ژاپن، آلمان، کانادا، انگلستان، کره جنوبی و ایران، عامل بیش ترین مقدار تولید گاز کربنیک هستند و جمعاً ۱۸/۸ میلیارد تن گاز کربنیک تولید نموده و به عنوان مقصران اصلی گرمایش کره زمین شناخته شده اند.

گزارش شورای جو سازمان ملل نیز می گوید: اگر بشر تا سال ۲۰۲۰ روند پخش گازهای گلخانه ای در هوا را مهار نکند، و تا سال ۲۰۵۰ آن را به نصف کاهش ندهد زمین تا آخر سده جاری به گونه ای بی سابقه گرم خواهد شد و فجایع زیست محیطی وسیعی سیاره ما را به کام خود خواهد کشید.

در آستانه برگزاری نشست زیست محیطی کپنهاگ اداره آمار آلمان، گزارشی از آلوده کننده ترین کشورهای دنیا ارائه کرده است. چین نخستین کشور و ایران دهمین کشوری است که مسئولیت آلودگی و گرمایش زمین را بر عهده دارند.

بر پایه گزارش اداره آمار آلمان، چین، آمریکا، روسیه و هند مسئولیت انتشار ۵۰ درصد از انتشار گاز دی اکسید کربن در هوا را بر عهده دارند.

گزارش اداره آمار آلمان، با استناد به گزارش آژانس بین المللی انرژی (IEA) ارائه شده است. تا سال ۲۰۰۷، آمریکا آلوده کننده ترین کشور دنیا بود. اما از ۲۰۰۷ به بعد، چین از آمریکا پیشی گرفت و این مقام را از آن خود کرده است. این دو کشور، در مجموع بیش از ۴۰ درصد از گازکربنیک موجود در هوا را متصاعد می کنند.

اداره آمار آلمان، هم چنین می گوید، انتشار گاز دی اکسید کربن در سراسر جهان از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ از ۲۱ به ۲۹ میلیارد تن افزایش پیدا کرد و چین مسئولیت حدود نیمی از این افزایش را بر عهده دارد.

در کنار جمهوری خلق چین روسیه، هند، جمهوری کره و ایران نیز پنجمین کشور در حال توسعه است که دنیا را آلوده می کند.

در میان این کشورها، روسیه تنها کشوری بود که بعد از فروپاشی شوروی سابق میزان انتشار این گاز در آن به طور چشم گیری کاهش پیدا کرد. در حالی که در ۴ کشور دیگر پادشده از سال ۱۹۹۰ انتشار دی اکسید کربن در مجموع تا ۱۵۹/۳ درصد افزایش یافته است.

جدول منتشر شده از سوی آژانس بین المللی انرژی، نشان می دهد که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷، ایران بعد از چین بیش ترین میزان افزایش تولید دی اکسید کربن را داشته است. در طول سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ تولید دی اکسید کربن در ایران در

مجموع ۱۶۵/۸ درصد افزایش یافته است. هم چنین افزایش تولید سرانه این گاز در ایران در میان ۱۰ کشور یادشده بعد از چین، بیشترین میزان، یعنی ۱۰۳/۶ درصد است. ایران در سال ۱۹۹۰ در مجموع ۱۷۵ میلیون تن دی اکسید کربن راهی جو کرده در حالی که در سال ۲۰۰۷ این میزان به ۴۶۶ میلیون تن رسیده است.

در میان کشورهای صنعتی، آمریکا، ژاپن، آلمان، کانادا و بریتانیا بیشترین حجم گاز دی اکسید کربن را تولید می کنند. اما روند چگونگی انتشار این گاز در این کشورها با یکدیگر متفاوت بوده است.

در حالی که آلمان و بریتانیا به ترتیب از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ انتشار گاز کربنیک را ۱۶ و ۵/۴ درصد کاهش دادند میزان انتشار این گاز در دیگر کشورهای یادشده در همین دوره زمانی افزایش پیدا کرده است. بیشترین افزایش را کانادا با ۳۳/۵ درصد نشان داده است. اما این میزان هنوز پایین تر از متوسط افزایش انتشار ۲CO در سطح جهان قرار دارد که میزان آن بالغ بر ۳۸ درصد است. آمار آژانس بین المللی انرژی نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه تولید سرانه گاز کربنیک به نحوی قابل ملاحظه پایین تر از کشورهای است که درآمد سرانه بیشتری دارند. انتشار سرانه این گاز در بریتانیا، در سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۶ برابر هند بود. این اختلاف از سال ۱۹۹۰ کاهش پیدا کرد.

گزارش آژانس بین المللی انرژی، علاوه بر انتشار گاز دی اکسید کربن میزان انتشار دیگر گازهای آلوده کننده هوا، از جمله متان، در کشورهای مختلف را نیز مشخص کرده است. این گاز بعد از دی اکسید کربن دومین گاز از گازهای گلخانه ای است که مسبب جهان گرمایی (Global Warming) است.

مطالعات تازه ای که درباره تغییرات جوی صورت گرفته نشان می دهد که این احتمال که فاجعه ۴ درجه سانتیگراد گرم تر شدن هوای کره زمین در دوره نسل کنونی اتفاق افتد، در حال افزایش است.

دانشمندانی که این مطالعات را انجام داده اند می گویند تا اواسط قرن حاضر احتمال گرم تر شدن هوای کره زمین تا ۴ درجه سانتیگراد وجود دارد. به گفته این دانشمندان در منطقه قطب شمال، در همین مدت ممکن است درجه حرارت هوا تا ۱۵ درجه سانتیگراد افزایش یابد.

این بررسی که توسط نهاد تحقیقاتی معتبر Hadley Centre در بریتانیا صورت گرفته، به این نتیجه رسیده که چنانچه گازهای گلخانه ای کنترل نشود، در طرف مدتی کمتر از ۵۰ سال درجه حرارت هوای کره زمین افزایش خواهد یافت و در نتیجه آن ممکن است زمین های پست را سیل فرا گرفته و نیمی از تمام گونه های حیوانات و گیاهان از بین بروند و دسترسی به آب در سراسر جهان به مخاطره افتد.

ولی دانشمندانی که این گزارش را تهیه کرده اند بر این نکته پافشاری می کنند که وقوع این فاجعه اجتناب ناپذیر نیست و چنانچه میزان گازهای گلخانه ای به زودی کاهش یابد هنوز می توان از وقوع آن جلوگیری کرد.

ایران در ردیف ده کشور عمده تولیدکننده گازهای گلخانه ای

ایران که در ردیف ده کشور عمده تولیدکننده گازهای گلخانه ای قرار دارد، افزایش سالانه تولید گازهای گلخانه ای در جهان را نیز به خود اختصاص داده است. بر اساس آمار، در سال ۱۹۹۰ تولید گازهای گلخانه ای در ایران، ۱۷۵ میلیون تن گزارش شده بود. در سال جاری این میزان تا حدود ۵۲۰ میلیون تن افزایش یافته است. نسبت این افزایش، طی کم تر از ۲۰ سال در حدود ۳۰۰ درصد و از این رو سرعت رشد آن بعد از میزان رشد تولید گازهای گلخانه ای توسط چین در مقام دوم دنیا قرار دارد.

در فاصله سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ مطابق آمار های منتشر شده توسط سازمان ملل و موسسه جهانی انرژی، میزان تولید گازهای گلخانه ای از ۲۰ میلیارد تن سالانه به ۳۰ میلیارد تن افزایش یافته است. این میزان، نشانه افزایش متوسط ۳۳ درصد در طول ۹ سال است، در حالی که در زمان مشابه، میزان رشد تولید گازهای گلخانه ای در ایران ۱۰۰ درصد افزایش داشته است.

نسبت تولید مجموع گازهای گلخانه ای در ایران، در حدود ۲ درصد کل تولید سالانه جهان است. در حالی که سهم ایران از مجموع اقتصاد جهانی، کم تر از ۱ درصد است.

حجم تولید گازهای گلخانه ای جهان در بخش نیروگاه ها سالانه در حدود ۱۰ میلیارد تن و نسبت آن در مجموع در حدود ۳۳ درصد تولید سالانه گازهای گلخانه ای است. بالا بودن سرانه تولید گاز گلخانه ای در بخش نیروگاه ها یکی از نشانه های تفاوت کشورهای پیشرفته با کشورهای عقب مانده است. در ایران سرانه تولید گاز در بخش نیروگاه ها و تولید برق در حدود ۱۰ درصد سرانه تولید مجموع گازها است. ۷۰ درصد از سهم ایران در تولید گازهای سمی مرتبط با بخش حمل و نقل جاده ای و هم چنین سوزاندن گاز طبیعی، و بقیه مرتبط با تولید نفت و گاز است. ایران با جمعیتی در حدود ۷۲ میلیون نفر سالانه با ظرفیتی در حدود ۴۸ هزار مگاوات برق، تولید می کند.

ایران، با تولید سالانه یک میلیون اتومبیل در سال که عمدتاً در داخل کشور مورد استفاده قرار می گیرند، با سرعت در حال افزایش میزان تولید گازهای گلخانه ای و کمک به گرمایش زمین و در نهایت در جهت انهدام آن گام برمی دارد.

مطابق محاسبات صورت گرفته، هر اتومبیل با اندازه متوسط، در هر سال ۱۵/۰۰۰ کیلومتر حرکت و در هر کیلومتر تا حدود ۱۶۰ گرم گاز کربن تولید می کند. با این حساب هر اتومبیل به طور متوسط در طول سال، تا میزان ۲/۶ تن گاز کربن تولید کرده و آن را در هوا آزاد می سازد. اتومبیل های کهنه هر سال نسبت به سال قبل سوخت ناقص تری داشته و گاز کربن بیش تری تولید می کنند.

ایران، دومین ذخیره گاز دنیا را دارد، سومین کشور مصرف کننده گاز جهان به شمار می رود. مصرف روزانه گاز ایران، در حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب و کمی بیش تر از تولید مجموع آن است. سوزاندن این حجم گاز در روز عامل دیگری است که «مقام» ایران را در ردیف کشورهای کمی به افزایش گرما در زمین و مالا انهدام سریع تر آن یاری می رساند، «ارتقا» داده است.

بررسی ها و گزارش های تکان دهنده زیست محیطی ایران، نشانگر جنایت کاری سران و مسئولان حکومت اسلامی در مدیریت فرهنگی و زیست محیطی کشور است.

گزارشات نشان می دهد که هر سال یک و نیم میلیون هکتار (۹ درصد) از خاک های مرغوب ایران به بیابان تبدیل می شود و سالانه یک تا یک و نیم هکتار به مساحت کویرهای ایران افزوده می شود. این در حالی است که سالانه یک میلیون متر از قشر خاک کشاورزی ایران که برای تشکیل آن ۷۰ سال زمان لازم است در اثر فقدان پوشش گیاهی از دست می رود و فرسایش خاک از ۱۰ تن در هکتار در دهه گذشته به ۲۰ تن در هکتار در حال حاضر رسیده است.

جنگل های ایران نیز وضعیت بدتری دارند، به طوری که در هر ثانیه ۳۶۰ متر مربع از سطح جنگل ها و مراتع کشور تخریب می شود. به بیان دیگر در هر ۵ سال یک میلیون هکتار از جنگل های ایران نابود می شود و یا سالانه یک و نیم درصد از جنگل های ایران از دست می رود. در حال حاضر سطح پوشش جنگل و مرتع در ایران ۷/۵ درصد از مساحت کشور است.

هم چنین سالیانه ۲/۱ میلیارد متر مکعب پساب صنعتی و شیمیایی وارد ۲۲۶ تالاب شناخته شده ایران می شود و به علت تخریب پوشش گیاهی بالا دست تالاب ها معمولا بارش های متناوب باعث ورود ۵۰۰ میلیون متر مکعب رسوب به تالاب های ایران می شود.

از میان مناطق چهارگانه طبیعی ایران، بسیاری از آن ها در حال حاضر با بحران های جدی زیست محیطی روبرو هستند که برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد: تالاب انزلی، پناهگاه حیات وحش توران، پارک ملی خجیر، پارک ملی سرخه حصار، تالاب گوری گل تبریز، مناطق حفاظت شده ورجین و البرز مرکزی، اکوسیستم طبیعی دریای مازندران، پارک ملی لار، جنگل های پارک لویزان، تالاب گاوخونی اصفهان، زاینده رود اصفهان، پارک ملی گلستان، منطقه حفاظت شده غرب مازندران، مناطق حفاظت شده شرق هرمزگان، جنگل های حرا، دشت مغان، دریاچه گهر درود لرستان، پوشش گیاهی و جانوری تنگه بلاغی شیراز، جنگل های مازندران، تالاب های زمزم و چکر ایلام، دشت بوئین زهرا، پارک ملی بختگان فارس، دریاچه ارومیه، تالاب منطقه شکار ممنوع قره قشلاق مراغه، دریاچه استیل آستارا، گرگان رود تالش، تالاب آلمگل گنبدکاووس، تالاب پیر احمد کندی ماکو، رودخانه اروند، تالاب شادگان خوزستان، تالاب حسن خان مهاباد، منطقه حفاظت شده قمیشلو اصفهان، سپید رود گیلان، پناهگاه حیات وحش لوندویل آستارا، رودخانه کارون، تالاب ترعه خوران هرمزگان، تالاب میانکاله مازندران، تالاب های ارزن و پریشان فارس، نرگس زارهای دهلران، تالاب بند علیخان ورامین، منطقه حفاظت شده جهان نمای گرگان، عرصه های جنگلی چاهک استان یزد و ...

علاوه بر نابودی گونه های نادر گیاهی، بنا به عوامل متعدد از جمله شکار بی رویه و مدیریت غلط مناطق حفاظت شده، جمعیت ۲۵ درصد از گونه های پستانداران و ۱۱ درصد از گونه های پرندگان ایران روند انقراض را طی می کند.

از میان پستانداران وحشی ایران، تاکنون نسل شیر ایرانی و ببر مازندران به کل منقرض شده است و نسل برخی دیگر از گونه ها هم چون یوزپلنگ، پلنگ، گورخر، گوزن ایرانی، آهو، شوکا، کل و بز کوهی، فوج و میش وحشی، پازن، جبیر، خرس سیاه، گربه پالاس، گربه شنلی، شاه روباه، روباه ترکمنی و شماری دیگر در حال انقراض است.

از میان پرندگان ایران نیز نسل پلیکان خاکستری، عروس غاز، قوی کوچک، درناک سبیری، باکلان کوچک، گیلانشاه خالدار، عقاب شاهلی، عقاب طلایی، عقاب دریایی دم سفید، عقاب ماهی خوار، هما، شاهین، بحری، بالابان، لاجین، میش مرغ، هوبره، سیاه خروس، اردک سفید، اردک بلوطی، قرقاول و شماری دیگر در حال انقراض است.

از میان خزندگان وحشی ایران نیز تمساح ایرانی (گاندو) و انواع لاک پشت بیش از دیگران در معرض انقراض نسل قرار دارند و هم چنین نسل گونه های آریان مانند ماهی قره برون، ماهی استورژن روسی، ماهی شیب، ماهی استورژن ایرانی، ماهی ازون برون، فیل ماهی یا بلوگا، کپور ماهی، ماهی کور غار، آفینوس های آب های داخلی، آرتمیا، انواع خرچنگ، دلفین و نهنگ نیز در حال انقراض است.

وضعیت محیط زیست شهری در ایران نیز دست کمی از محیط زیست طبیعی ندارد. در کنار آلودگی مرگبار هوا و آلودگی صوتی به ویژه در شهرهای بزرگ، با آلودگی آب (اعم از آب های سطحی و عمقی) و آلودگی خاک در اکثر مناطق ایران روبرو هستیم. در حال حاضر بخاطر تولید بیش از حد زباله، جمع آوری غلط و بازیافت ناقص زباله های خانگی، صنعتی و بیمارستانی، پساب های صنعتی، فاضلاب شهری و نخاله های ساختمانی و انباشت زباله در حاشیه شهر ها با آلودگی شدید خاک و تجمع حیوانات ولگرد و جوندگان و حشرات خطرناک روبرو هستیم. هم اکنون روزانه ۳۲ هزار تن و سالانه ۱۲ میلیون تن زباله در ایران تولید می شود. از سویی هر تن زباله در حدود ۵۰۰ لیتر شیرابه تولید می کند و هر لیتر شیرابه می تواند ۴۰۰۰ لیتر آب را آلوده کند. این زباله ها می تواند ۱۱۸ نوع بیماری را به انسان منتقل کند. در حال حاضر در ایران بیش از ۱۰ درصد زباله های شهری را کاغذ تشکیل می دهد و سالانه ۴۰۰ هزارتن کاغذ مصرف می شود که معادل ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار اصله درخت می باشد. این در حالی است که در صورت بازیافت ۲۵ درصد از کاغذ موجود در زباله های شهری، می توان سالانه از قطع یک میلیون و ۷۰۰ هزار اصله درخت جلوگیری نمود.

در روزنامه های حکومتی، همواره به این نوع خبرها و هشدارها برمی خوریم: «امروز آلودگی هوای تهران بسیار بیش تر از حد مجاز است. کودکان و سالمندان لطفا در خانه بمانند». «سفره های آب زیرزمینی بخش هایی از تهران به نفت آلوده شده اند». «۱۲۰ هکتار از جنگل های جلگه ای گیلان برای توسعه شهرک صنعتی نابود شدند. طرف ۳۰ سال گذشته مساحت جنگل های شمال کشور بر اثر تخریب از ۲۵ میلیون هکتار به ۱۲ میلیون کاهش یافته است.»

روزنامه همشهری، چاپ تهران، ۱۳۰۱-۱۲-۲۰۰۹، با عنوان «به مسلخ کشیدن جنگل های غریب دنا»، نوشت: ... متأسفانه مجوز انهدام این زیستگاه و سلاخی و پاکتراشی جنگل های بلوط زاگرس میانی توسط اداره کل جنگل ها و مراتع استان کهگیلویه و بویراحمد از ایستگاه تقویت فشار گاز شرکت ملی گاز در جنوب غرب روستای تنگ رواق تا روستای سینه نمک به طول ۲۵ کیلومتر و در حوزه استحفاظی سازمان محیط زیست صادر شده است و در اوایل مهر ماه سال جاری مسیر جنگلی مذکور توسط عاملان شرکت ملی گاز به دلیل انتقال خط دهم لوله گاز بندر عسلویه به مناطق شمال و شمال غرب کشور و نهایتاً خروج آن از کشور آغاز شد. عملیات جنگل زدایی از دو نقطه و در انتها و ابتدای مسیر ۲۵ کیلومتری در امتداد رسیدن به هم آغاز شد. ابتدا ۲/۵ کیلومتر به عرض ۲۰ الی ۵۰ متر از ارتفاعات جنگلی جنوب غربی تنگ رواق تا جنگل زارهای شمال شرق روستای نیستان تخریب شد و در مرحله بعد ۲/۵ کیلومتر دیگر به همان عرض از جنگل های انبوه و تنومند بلوط و دیگر گونه های نادر گیاهی از شرق روستای سینه نمک در مجاورت رودخانه خرسان به سمت ارتفاعات جنگلی کوه سیاه تا دشت جنگلی تلخ آب ادامه یافت. در این مسیر ۷ کیلومتری، حدود ۲۸ هکتار از انبوه ترین جنگل های ناحیه زاگرس میانی از بین رفت و طی آن بیش از ۱۲ هزار اصله درخت کهنسال یکصد تا چهار صدساله به خاک غلتیدند. این فاجعه در تاریخ تخلفات زیست محیطی کشور، عظیم ترین تعرض به اکوسیستم های گیاهی - جنگلی و جانوری کشور است...

جنگل خزری هیرکان که از منطقه هیرکان جمهوری آذربایجان شروع و تا استان گلستان در ایران ادامه دارد، با قدمت ۴۰ میلیون سال یکی از ارزشمندترین جنگل های جهان است. این جنگل ها بازمانده عصر ژوراسیک است که عصر یخبندان توانست آن ها را از بین ببرد. این در حالی است که جنگل های اروپا به گفته کارشناسان ۱۱ هزار سال قدمت دارد. جنگل ابردر مرز بین دو استان سمنان و گلستان که از جنگل های هیرکانی است. اکنون اقداماتی در جهت جاده سازی در این منطقه در جریان است که اگر جلو آن گرفته نشود به نابودی آن منجر خواهد شد.

دریاچه ارومیه در حال مرگ است. بعد از گذشت نزدیک به ۳ دهه از احداث جاده شهید کلانتری در داخل پارک ملی دریاچه ارومیه، پروژه ای که مدافعان محیط زیست با آن مخالفت می روزند، این جاده باز شد و یک و نیم کیلومتر پل ارتباطی بین دو سوی جاده، با صرف بودجه ای نزدیک به ۱۲۰ میلیارد تومان به بهره برداری رسید.

در حالی که احداث این جاده در داخل پارک ملی دریاچه ارومیه که از دو عنوان جهانی ذخیره گاه بیوسفری (ثبت شده در یونسکو) و نیز تالاب بین المللی (ثبت شده در فهرست تالاب های بین المللی جهان در سوییس) برخوردار است، نقض آشکار

قوانین ملی و بین‌المللی حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود و شیوه مهندسی به کار رفته در جریان این ساخت و ساز نیز مورد انتقاد برخی مهندسان کشور و نیز متخصصان محیط زیست بوده، اما این پروژه از سوی مسئولین به عنوان یک «افتخار ملی» و نشانی از «هوش و درایت بالای متخصصان ایرانی» معرفی شد؛ به گونه‌ای که وزیر راه و ترابری در آیین رونمایی از پل میانگذر ارومیه که در بخش خیری ۲۲:۳۰ شبکه دو سیما پخش شد، ادعا کرد حتی در اروپا هم چنین تکنولوژی‌ای وجود ندارد.

تنها امتیاز این جاده را کوتاه شدن طول مسیر ارومیه به تبریز و کاهش این مسافت از ۲۴۰ به ۱۳۰ کیلومتر عنوان می‌کنند. مشکل اصلی دریاچه ارومیه در حال حاضر، کمبود آب ناشی از خشکسالی و احداث بیش از ۲۰ سد مخزنی و انحرافی در حوزه آبریز دریاچه است که منجر به از بین رفتن بیش از ۱۶۰ هزار هکتار از اراضی دریاچه و تبدیل آن به شوره زار شده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته در طرح مدیریت زیست بومی حوزه آبریز دریاچه ارومیه که با حمایت مالی بانک جهانی در سال ۱۳۸۰ صورت گرفت، برآورد شده بزرگراه شهید کلانتری حدود ۱۲۰ هکتار از سطح دریاچه ارومیه را به دلیل خاک‌های ریخته شده در دریاچه، خشک کرده است.

دکتر ناصر آق، رییس پژوهشکده آرتمی و آبریان دانشگاه آرتمیآرتمی دانشگاه ارومیه در این باره می‌گوید: در سال ۱۳۷۶ با یک برآورد علمی تخمین زدیم که ارزش دریاچه ارومیه فقط از نظر ذخایر آرتمی دریاچه ارومیه معادل ۱۰ میلیارد دلار است و اگر این بلا بر سر دریاچه نیامده بود این رقم امروز بسیار بیش‌تر بود، چرا که هر کیلو سیست آرتمی حدود ۶۵ دلار است.

واریز فاضلاب شهرک‌های پیرامون اصفهان در زاینده رود یکی از معضلات جدی محیط زیست اصفهان است که زندگی زیست‌مندان گستره آبریز زاینده رود را نابود می‌کند. این بحران هنگامی خود را بیش‌تر نشان داد که خشکسالی و مدیریت غلط منابع آب استان، باعث کاهش آب زاینده رود و بالارفتن غلظت آلاینده‌ها و در نتیجه نابودی دهشتناک زیست بوم زاینده رود شد.

برای نمونه در حال حاضر به دلیل کاهش آب زاینده رود و ریزش فاضلاب شهرک بهارستان از کانالی در ۱۵ کیلومتری اصفهان، آسیب‌های شدید و غیرقابل‌جبرانی به محیط زیست اصفهان وارد شده است.

شرکت‌های مجری یک پروژه راهسازی در استان فارس در جنوب ایران، با آتش زدن نیزارهای دریاچه پریشان طرف یک ماه هزاران لاک پشت و پرنده مهاجر را به شکل تکان دهنده‌ای به صورت زنده زنده سوزانده و هزاران جوجه را پیش از آن که فرصت دیدن طبیعت را بیابند، نابود کردند.

به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، آتش زدن چندین هکتار از نیزارهای اطراف تالاب پریشان، باعث بروز یک فاجعه زیست محیطی شده که بر اثر آن هزاران پرنده مهاجر و لاک پشت‌های بومی و همین‌طور دیگر جانوران دریاچه پریشان در آن سوخته‌اند. بنا براین گزارش، نزدیک به ۲۰ هکتار از نیزارهای اطراف دریاچه پریشان در یک سال گذشته به شکل سازمان یافته‌ای طعمه آتش خود ساخته...

نایب رییس انجمن مهندسی گاز ایران، نسبت به بروز فاجعه‌ای زیست محیطی بعد از انتقال گاز ترش از عسلویه به چاه‌های نفت آعاجری هشدار داد. دکتر علی وطنی، نایب رییس انجمن مهندسی گاز ایران مهر، با اشاره به پیش‌بینی استفاده از فازهای ۶ و ۷ و ۸ برای انتقال گاز ترش به آعاجری گفت: در این زمینه مطالعات دقیق علمی انجام داده‌ایم و متأسفانه این پروژه توجیه زیست محیطی ندارد. ضمن این‌که هنوز فازهای مذکور راه نیفتاده‌اند ولی انتقال گاز ترش در هیچ‌جای جهان با این طول مسافت که ۵۱۰ کیلومتر است انجام نمی‌شود و گاز ترش تنها در مسیرهای کوتاه و یا در کف دریا انتقال می‌یابد. این استاد دانشگاه تهران، تصمیم انتقال گاز ترش به منظور تزریق به چاه‌های نفت آعاجری خوزستان را بر اساس مطالعات علمی دارای بار منفی در عرصه‌های زیستی و انسانی دانست و گفت: «... هرگونه حوادث ناشی از نشست گاز از این خط لوله را حاوی گاز ترش و سمی و دارای عواقب بسیار خطرناک و فاجعه‌انگیزی عظیمی توصیف کرد و افزود: از آن‌جا که در ترکیب گاز فازهای مذکور درصد بالایی گاز سولفید هیدروژن موجود است، استنشاق حتی به مدت یک ثانیه از این گاز موجب مرگ آنی کلیه موجوداتی که در حریم این خط لوله قرار دارند، می‌شود. اما نورالدینی، مدیرکل روابط عمومی وزارت نفت با رد گفته‌های دکتر وطنی، به خبرنگار مهر گفت: این پروژه بزرگ‌ترین پروژه انتقال گاز در خاورمیانه است و مطرح کردن این بحث‌ها چندان جدی نیست و مطالعات ما نشان از بروز فاجعه زیست محیطی نمی‌دهد.

دکتر اسماعیل کهرم، کارشناس محیط زیست در ایران، هم‌زمان با برگزاری اجلاس کپنهاگ به خبرگزاری حکومتی مهر گفته است که مصرف انرژی در ایران ۵/۲ برابر کشور صنعتی ژاپن است. در ایران، سوخت زیادی مصرف می‌شود و انرژی الکتریسته و فسیلی قابل توجهی هدر می‌رود. به گفته کهرم، آمارها نشان می‌دهد که تمام هدر رفت‌های انرژی در ایران در حد رکوردهای جهانی است.

کهرم در ادامه انتقاد کرده است که تاکنون هیچ برنامه‌ای برای شرکت در اجلاس کپنهاگ از سوی سازمان محیط زیست و یا دفاتر مرتبط با تغییرات اقلیمی در ایران اعلام نشده است.

چند روز پیش از این اظهارات اسماعیل کهرم، محمد سلطانی، رییس مرکز آب و هوایی ایران نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی تلویحا به برنامه‌گی و کاستی‌های سیاست‌های زیست محیطی در ایران اشاره کرده بود. به گفته این کارشناس که حکومت اسلامی را نیز در کنفرانس کپنهاگ نمایندگی کرد، میزان تولید گازهای گلخانه‌ای ایران به نسبت تولید اقتصادی و سرانه جمعیت بسیار بالا است و باید زنگ خطر را به صدا درآورد. او افزوده است که ایران در مقایسه با کشورهای بزرگ در حال توسعه مثل چین و هند و برزیل یا حتی به اندازه کشورهای اندونزی و مکزیک نتوانسته فعالیت داشته باشد و اثرات ناگزیر تغییرات اقلیمی را جبران کند و حتی نتوانسته پروژه‌ای را به ثبت برساند. به گفته سلطانی، «کاهش سطح آب و یخ شدن یخچال‌ها و قتل برفی و کم شدن پوشش گیاهی و جنگلی کشور از نمونه‌های این تاثیر است، اما ناآشنایی کارشناسان ایرانی با مفاهیم بین‌المللی در حوزه تغییرات آب و هوایی، یکی از مشکلات بوده که موفق نباشد.»

پیش از این رییس سازمان محیط زیست ایران از فرسودگی لوله‌های نفت نیز به عنوان یکی از عوامل مهم تخریب محیط زیست نام برده بود. بیش از ۲ هزار کیلومتر از لوله‌های انتقال نفت جنوب کشور در خلیج فارس فرسوده است که در صورت بحرانی شدن شرایط حیات میلیون‌ها آبریز و موجود دریایی خلیج فارس را با خطرات جبران‌ناپذیری مواجه می‌کند. محمدی‌زاده از مسئولان وزارت نفت خواست تا هرچه سریع‌تر برنامه‌ای را برای جایگزینی لوله‌های فرسوده ارائه کند.

این‌گونه گزارشات و خبرها کم نیستند. زیرا حکومت اسلامی، با سرکوب‌ها و کشتارهای مداوم خود در هم‌زمینه‌های انسانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فاجعه به دنبال فاجعه آفریده است، در زیست محیطی نیز اقدامات جنایت

کارانه ای کم نیست در کنار ده کشور صنعتی جهان قرار گرفته است. یعنی حکومت اسلامی نه با تامین آزادی های فردی و اجتماعی، نه با رشد اقتصادی کشور، نه با تامین آزادی رسانه ها و بیان و اندیشه، نه با رشد آموزش و پرورش و درمان و بهداشت، نه با رشد دانشگاه ها و علوم و تحقیقات علمی و غیره در کنار ده کشور صنعتی قرار نگرفته، بلکه با آفریدن فجایع بی شمار انسانی و زیست محیطی در کنار این کشورها ارتقا «مقام» یافته است!

ایران از نظر شاخص های پایداری محیط زیست، با کسب رتبه 132 در بین ۱۴۶ کشور جهان، در انتهای جدول جهانی قرار گرفته که در این جدول که ۱۴۶ کشور جهان از نظر وضعیت زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفته اند فنلاند، نروژ، اروگوئه، سوئد، ایسلند و کانادا به ترتیب در جایگاه اول تا ششم جهان قرار گرفتند و کشور ایران با کسب ۸/۳۹ امتیاز بعد از کشورهای هم چون آنگولا، بورکینافاسو، ویتنام، لیبی، چاد و... در مقام یک صد و سی و دوم جهان قرار گرفته است.

محمود احمدی نژاد، ظهر روز جمعه ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کپنهاگ، شرکت کرد و طبق روال سیاست های همیشگی خود، بی شرمانه یک مشت دروغ و ادعای کاذب را تحویل خبرنگاران داد.

بنا به گزارش خبرنگاری حکومتی ایسنا، احمدی نژاد در این کنفرانس مطبوعاتی، در جواب پاسخ خبرنگاری، گفت: «ایران دارای ذخایر عظیم نفت و گاز بوده و یک کشور در حال پیشرفت است برنامه های گسترده ای برای کنترل انرژی طراحی کرده ایم. تمام پارانه های انرژی در یک برنامه ریزی دقیق در حال هدفمند شدن است. روش های جدید سوخت انرژی مانند زمین گرمایی در حال استفاده شدن است و ما برای ۲۰ هزار مگاوات برق هسته ای برنامه ریزی کرده ایم. ما در سیستم های خودروسازی، در سیستم های ساختمان سازی تغییراتی را ایجاد کرده ایم که انرژی با بهره گیری بیش تری استفاده شود.

احمدی نژاد در این سفر خود به دانمارک، علاوه بر این که با شعارهای کوبنده اپوزیسیون سرنگونی طلب هم چون «سرنگون باد حکومت اسلامی»، «دیکتاتور برو گم شو» و... حتی خارج از عرف و روابط و مناسبات دیپلماتیک، از سوی دولت دانمارک و نهاد پادشاهی این کشور نیز تحویل گرفته نشد.

در وب سایت اطلاع رسانی پادشاهی دانمارک که مسئول برگزاری این اجلاس بود، هیچ نامی از احمدی نژاد به عنوان رییس جمهور ایران برای حضور در مراسم ضیافت شام پادشاه این کشور دیده نمی شود.

به گزارش «تابناک»، «در لیست منتشره مهمانان این اجلاس برای برنامه ضیافت شام ویژه پادشاه دانمارک، نام بیش تر روسای جمهور و مقامات ارشد کشورهای بسیاری، از جمله رییس جمهور ترکیه، رژیم صهیونیستی، کلمبیا، چین، افغانستان، بلژیک، کانادا و... به چشم می خورد، اما هیچ نامی از ایران در این لیست به عنوان مهمان دیده نمی شود.»

امروز به جرات می توان گفت که احمدی نژاد، یکی از منفورترین و جانی ترین روسای جمهوری جهان به ویژه در افکار عمومی است و احتمالاً مسئولین و دست اندرکاران ضیافت شام ویژه پادشاهی دانمارک نیز به دلیل اعتراضاتی که در ماه های اخیر در داخل ایران و در سطح بین المللی علیه وی به عنوان نماد جهل و جهالت و جنایت حکومت اسلامی در جریان بوده، به این مراسم دعوت نشده است.

اولین کنفرانس محیط زیست سازمان ملل و نمونه هایی از فجایع انسانی

لازم به یادآوری است که سی و پنج سال پیش، در روز ۵ ژوئن ۱۹۷۲، اولین کنفرانس محیط زیست سازمان ملل در شهر استکهلم سوئد برگزار شد که ۱۲۰۰ نفر از ۱۱۲ کشور پیشرفته و در حال توسعه ای جهان در آن شرکت کرده بودند. منشوری که در این کنفرانس به تصویب رسید، حاوی ۲۶ معیار و ۱۰۹ توصیه برای عملی کردن آن ها بود. تصمیم مهم این کنفرانس، ایجاد سامانه دیده بانی زمین (Earthwatch) بود.

منشور محیط زیست سازمان ملل کشورها را موظف می کند که در استفاده و بهره برداری از ذخایر و منابع طبیعی شان رفتاری مسئولانه و معطوف به حفظ محیط زیست داشته و به وظایف خود در قبال کشورهای دیگر و نیز در قبال نسل های آتی توجه کافی نشان دهند.

پیمان کیوتو نیز که از سال ۲۰۰۵ به اجرا درآمده، در سال ۲۰۱۲ پایان می یابد. این پیمان تنها برای کشورهای صنعتی الزام آور است و آن ها را متعهد می کند که تا سال ۲۰۱۲ پخش و نشر گازهای گلخانه ای خود را چنان کاهش دهند که میزان این گازها در مقایسه با سال ۱۹۹۰، ۲/۵ درصد کاهش یابد. اجرای پیمان کیوتو، موفقیت چندانی نداشته، زیرا به خصوص بزرگ ترین تولیدکننده سرانه گازهای گلخانه ای در دنیا، یعنی آمریکا، به آن نپیوسته است. هدف از اجلاس کپنهاگ، تنظیم و تصویب پیمانی جایگزین است که شمار هر چه بیش تری از کشورها، از جمله آمریکا، به اجرای آن مقید شوند.

باین ترتیب، سی و پنج سال پیش، سازمان ملل روز ۱۵ خرداد - ۵ ژوئن را روز جهانی محیط زیست نام نهاد. ظاهراً هدف حفظ محیط زیست بود، در حالی که سرمایه داری جهانی و دولت های آن ها نه تنها در این سه دهه و نیم هیچ گام جدی در جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست برداشته اند، بلکه همواره و به طور بی سابقه ای نیز نقش مهمی در تخریب محیط زیست، ایفا کرده اند.

اکنون پس از گذشت سی و پنج سال از اولین کنفرانس محیط زیست سازمان ملل در شهر استکهلم، نشست کپنهاگ نیز به اتخاذ سیاست تازه ای منجر نشد، به ویژه هیچ راهکار موثری نیز ارائه نشده است. بنابراین، روشن نیست که دولت ها، چگونه و با چه تغییراتی در برنامه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی خود، دو درجه گرمای زمین را کاهش خواهند داد؟

برای مثال، بندر «جیامین» در جنوب شرقی چین، چندی پیش شاهد راهپیمایی های اعتراضی مردم و دانشجویان بود که نه تنها خواستار انصراف دولت چین از ساخت کارخانه پتروشیمی بودند، بلکه تخریب این کارخانه را عنوان مطالبه جدی تر خود بیان کردند. این اعتراضات از آن جا آغاز شد که یک کارخانه پتروشیمی در نزدیکی شهر «جیامین» در استان «فوجی یان» ساخته شد. ساکنان محلی به محض مطلع شدن از خطراتی که سلامت آن ها و فرزندان شان را تهدید می کند، با ادامه ساخت و فعالیت آن مخالفت کردند. مردم مسئولان محلی دولت چین را مجبور کردند یکی از اولویت های اجرایی خود را بر رفع آلودگی از آب و خاک هایی بگذارند که چندین دهه در اثر بی توجهی کارخانجات، آلوده شده بودند.

یک گروه پژوهشگر آلابنده ها، چند سال پیش، از وجود میزان بسیار بالای مواد سرطان زا در هوای چندین شهر مکزیک که در جوار کارخانه های پتروشیمی قرار داشت، خبر دادند. این گروه با کمک انجمن تولیدکنندگان محصولات اکولوژی تگزاس با همکاری انجمن غیردولتی دیده بان جهانی سانفرانسیسکو، دانشکده پژوهش های زیست محیطی تورنتو کانادا و موسسه محیط زیست و توسعه سبز مکزیک، مواد موجود در هوای چندین شهر همجوار با کارخانه های پتروشیمی را نمونه برداری کرده و نتایج پیشین را تایید کردند.

بر اساس این نتایج، علت بالا رفتن آمار مبتلایان به سرطان در وراکروز جنوبی، انتشار گازهای سمی کارخانه های پتروشیمی به شهرهای همجوار است. هم چنین در نتایج این پژوهش ها تاکید شد کارگران کارخانه های پتروشیمی از تنگی نفس رنج می برند و میزان ابتلا آن ها به انواع سرطان ها، افزایش چشم گیری داشته است. همان سال ها، رسانه های خارجی خیر از اعتراض مردم مکزیک در مقابله با آلودگی های محیط زیستی پتروشیمی ها که سلامت و بهداشت محیط آنان را با چالش روبه رو کرده، دادند.

تکرار همین فاجعه در ژاپن، یکی دیگر از نمونه های جالب توجه است. در ابتدای دهه ۱۹۵۰، جزیره کیوشو در ژاپن، اتفاقات غریبی را در این ارتباط تجربه کرد. مشاهده پرنده گانی که به یک باره از آسمان می افتادند و گریه هایی که ناگهان به طور عجیبی جیغ می زدند. بعد نوبت به ماهی ها رسید و از آن جا که بخش عمده ای از سید خانوار در ژاپن را ماهیان تشکیل می دهند، عوارض خیلی زود دامن انسان ها را گرفت. در مدت زمانی کوتاه پژوهشگران ژاپنی اعلام کردند علت این بیماری ها تخلیه فاضلاب شرکت پتروشیمی «چیوزو» ژاپن به دریاست. موضوع تا آن جا بالا گرفت که سال ۱۹۵۷ قانون ممنوعیت ماهیگیری در ژاپن تصویب شد و پس از آن اعتراض های سراسری و گسترده ژاپنی ها هر روز در گوشه ای از این کشور گزارش می شد. مردم این کشور از مسئولان می خواستند هر چه زودتر به این روند تخریب گر و نابودکننده پایان داده شود حتی اگر قرار است پتروشیمی ها جمع شوند و زیان های اقتصادی را در پی داشته باشد. همان سال ها بود که بسیاری از کشورهای جهان درصدد حذف برخی مواد خطرناک از صنایع پتروشیمی یا جمع آوری آن برآمدند.

نمونه هایی که عنوان شد در بسیاری از کشورهای جهان اتفاق افتاده است. پیش از ورود پتروشیمی به ایران، بسیاری از کشورها به فجاج این صنعت آلاینده و خطرناک بر سلامت انسان و محیط زیست پی بردند و بنا به خواست افکار عمومی، قوانین و چارچوب های جدیدی را برای احداث صنایع بزرگ و آلاینده به خصوص پتروشیمی ها که بسیار خطرناک هستند، در کشورهای خود تصویب کردند.

سال ها بعد از این وقایع، در ایران چندین کارخانه پتروشیمی برپا شد. در سی اخیر حاکمیت جمهوری اسلامی، هشت سال جنگ خانمانسوز ایران و عراق، استفاده از بمب های شیمیایی، تلاش های مخفیانه حکومت اسلامی برای دست یابی به بمب اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی، برپایی نیروگاه های مخفی و علنی، آزمایش موشک های دوربرد و غیره و به ویژه عدم اطلاع رسانی و اعمال سانسور شدید بر مطبوعات و گزارشات، روشن نیست که مردم کدام شهرها و مناطق ایران بیش تر در معرض آلودگی های خطرناک قرار دارند.

با نگاهی به خبرها و گزارشات می توان به این نتیجه رسید که فاجعه زیست محیطی در ایران، حتی مراحل خطرناک را نیز پشت سر گذاشته و روزانه قربانی می گیرد. برای مثال، در آذر ماه ۱۳۸۵ استاندار وقت گلستان در جلسه شورای اداری استان که از شبکه استانی نیز پخش شد، با افتخار اعلام کرد: «گلستان را عسلویه دوم می کنیم.» در حالی که مردم نه از عسلویه چیز زیادی می دانستند و نه از میزان فزاینده آلودگی هایی که در پی فعال شدن صنایع در عسلویه به خلیج فارس وارد شده بود. آن ها تنها آگهی های تبلیغاتی افتخارآمیز «عسلویه بر قله توسعه و آبادانی» را از رسانه های حکومتی شنیده بودند و قطعاً نمی دانستند تکرار ماجرای عسلویه، یعنی نابودی زیستگاهی که میلیون ها سال، سلامت آنان را تضمین کرده است. همان زمان کارشناسان اداره کل محیط زیست گلستان نظر مخالف خود را ابراز کردند و پای دانشگاهیان نیز با وساطت خبرنگاران حوزه محیط زیست، به این بحث کشیده شد. بسیاری از استادان و اعضای هیات های علمی دانشگاه ها با نگارش مقالات کاملاً بی طرف و صرفاً علمی، خطرات اجرای این طرح را برای اکوسیستم جنگلی، مرتعی و کشاورزی منطقه گوشزد کردند و برخی نیز با انتشار نامه از رییس جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست خواستند جلوی وقوع چنین بحرانی را بگیرد. اما با وجود این تلاش ها، پتروشیمی گلستان بدون انجام فرآیند قانونی ارزیابی زیست محیطی، کلنگ زنی شد و اکنون در مرحله ساخت و تجهیز کارگاه است...

فروردین ۸۶ بود که محمدجعفر سادات موسوی، رییس فراکسیون محیط زیست مجلس هفتم، در گفتگو با سایت آفتاب از به دنیا آمدن نوزادان ناقص الخلقه در شهرهای حاشیه خلیج فارس به دلیل ورود فاضلاب صنایع پتروشیمی به دریا خبر داد. او تاکید کرد: خطرات ناشی از پتروشیمی ها برای انسان ها بسیار جدی و زیان بار است و سازمان محیط زیست باید برای این مساله فکری کند.

بعد از آن، محمدباقر نبوی، معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست پس از بازگشت از سفر ماهشهر به روزنامه کارگزاران گفت: «در این سفر دکتر حاتمی کیا، رییس شبکه بهداشت ماهشهر آمارهای عجیبی از تولد کودکان ناقص الخلقه از جمله تولد ۲۷۰ تا ۳۷۰ کودک بدون سر در مدت شش ماه ارائه داد. هم چنین رییس شبکه بهداشت ماهشهر از عقیم شدن شماری از مردان ماهشهری خبر داد که علت عمده آن احتمالاً وجود آلاینده های پتروشیمی در آب های خلیج فارس بوده است و قرار است این مساله مورد بررسی قرار گیرد.» خبرگزاری فارس نیز پیش از آن، به نقل از نبوی، اعلام کرده بود عواقب ناشی از جیوه در بافت ماهیان منطقه شامل ناراحتی های تنفسی، عقیم شدن کارگران پتروشیمی و تولد کودکان ناقص الخلقه است.

در سفر استانی رییس جمهور احمدی نژاد به ماهشهر، رییس بیمارستان ماهشهر به افزایش آمار تولد کودکان ناقص الخلقه اشاره کرد و از وی خواست با توجه به این معضل برای رفع آن اقدام شود.

ایرج خسرونی، رییس جامعه متخصصان داخلی ایران نیز به رسانه ها گفت: «طبق بررسی های اعلام شده، در برخی نقاط جنوبی ایران در شهرهای حاشیه خلیج فارس، مواد جیوه ای در مواد غذایی مشاهده می شود که دارای آثار سمی بر مغز استخوان و خون انسان است. شیوع چنین بیماری هایی در اثر استفاده از جیوه در جزایر جنوبی ایران است.»

اعلام نتایج آزمایش های سنجش میزان جیوه در آلوده ترین منطقه خلیج فارس- خورموسی- که به صراحت اندازه این ماده در خلیج فارس را بیش از حد استاندارد ذکر می کند نیز یکی دیگر از این اخبار بود که بار دیگر نگاه های بسیاری را به سوی پتروشیمی ماهشهر، بندر امام و رازی معطوف کرد.

با این همه، سران حکومت و مسئولان اجرایی استان و دست اندرکاران شرکت پتروشیمی گلستان هم چنان بر ادعای خود مبنی بر این که مسائل زیست محیطی پتروشیمی گلستان رفع شده است، پای می فشارند و هیچ سخنی نیز از چگونگی رفع آن، بر زبان نمی آورند. اکنون کارگاه این شرکت در حال ساخت است تا عملیات احداث ساختمان آن را آغاز کند و مردم گلستان هم چنان در سکوت هستند و کسانی که سهام خریده اند در انتظار روشن شدن تکلیف سهام خریداری شده خود هستند، بدون این که به مساله تخریب آب، خاک، هوا، زیستگاه، جنگل، گیاه، دریا و محصولات کشاورزی و محیط زیست خود و فرزندان شان بیندیشند.

روزنامه همشهری، روزنامه شهرداری تهران، ۲۲ آذر ماه ۱۳۳۸، نوشت: «تحقیقات انجام شده توسط شرکت کنترل کیفیت هوا و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی ایران حاکی است میزان این آلاینده ها در شهر تهران ۸/۲ برابر استاندارد جهانی است. این معضل نیز هر سال به هنگام سرد شدن هوا در فصل پاییز و زمستان به دلیل شرایط پایدار هوا و پدیده وارونگی دما چندین بار مدارس تهران تعطیل شده و کارشناسان به طور مکرر از کودکان، کسانی که مشکلات قلبی و تنفسی دارند، زنان باردار و سالمندان خواسته اند از منزل خارج نشوند.

وجود بیش از ۲/۵ میلیون خودرو در سطح شهر و تردد روزانه این خودروها در دل خیابان ها از سویی و وجود کارخانه ها و کارگاه های آلاینده، آلودگی هوا تهران را تشدید می کند. بر اساس گزارش شرکت کنترل ترافیک در حال حاضر تنها ۱۷ درصد حمل و نقل شهر تهران به وسیله اتوبوس، ۵ درصد با مترو و ۲۰ درصد از طریق تاکسی ها و ون ها و آژانس ها صورت می گیرد. این در حالی است که در سال ۷۶ در تهران حدود ۷۰۰ هزار خودرو تردد می کرد که امروز تعداد آن ها از سه میلیون و پانصد هزار دستگاه گذشته است؛ این یعنی این که هر دو سال یک بار شمار خودروهای تهران دو برابر شده است. براساس استانداردهای جهانی باید به ازای هر یک هزار نفر، یک دستگاه اتوبوس وجود داشته باشد. بدین ترتیب برای ۱۲ میلیون جمعیت تهران، ۱۲ هزار دستگاه اتوبوس و ۷ خط مترو نیاز است. این در حالی است که هم‌اکنون تنها ۵۰۰۰ دستگاه اتوبوس داریم. علاوه بر این در سال های اخیر، سرعت حرکت اتوبوس ها از ۲۰ کیلومتر به ۲۰ کیلومتر در ساعت رسیده است که این در حد یک فاجعه است...

مصرف بنزین به طور طبیعی موجب آلودگی هوا می‌شود. روزانه ۱۲۰۰ تن آلاینده در هوای تهران پخش می‌شود. اگر آلودگی های شهر تهران ناشی از دود خودروهای سواری بیش تر از ۵۰ درصد در نظر گرفته شود، در نتیجه تولید ۶۰۰ تن آلاینده در تهران حاصل سفرهای سواریه در تهران است.

انتشار آلاینده ها در هوا عوارض سوء متعددی برای ساکنان شهر تهران به وجود می آورد؛ خطر مرگ و میر شهروندان تهرانی با افزایش ذرات معلق افزایش می یابد، مرگ بین ۷ تا ۹ هزار نفر در سال - یعنی تقریباً هر ساعت یک نفر- از مهم ترین عوارض آلودگی هوا در شهر تهران است. تجمع بیش از حد سرب، باعث بیماریهای عصبی از جمله پرخاشگری، بی حوصلگی، زود رنجی، افسردگی و خستگی مفرط می شود. هم چنین موجب تهدید سلامت نوزادان داخل رحم، زایمان زودرس، مرده زایی، افزایش اختلالات جنینی و بروز بیماری های دیگری از قبیل خشکی چشم و التهاب پلك، کوتاهی قد، افزایش وزن، کم تحرکی، اختلالات گفتاری، کاهش بهره هوشی، کند ذهنی، ضایعات کبدی، تنگی نفس، تحریک گلو و ریه ها، گوش درد، انواع عفونت های تنفسی چون برونشیت، تحریک مجاری هوایی و تشدید آسم، سرطان ریه، پوکی استخوان و بیماری های قلبی می شود.

همه این گزارشات، اسفناک شدن وضعیت آلودگی هوا در ایران را نشان می دهد. حکومت در اسلامی در این سی سال، به ویژه سال های اخیر، نه تنها اقدام عاجلی در جهت خنثی کردن این معضل خطرناک انجام نداده، بلکه طی سال های گذشته فقط در تهران، تعداد قابل توجهی از شهروندان بر اثر بالا رفتن آلودگی هوا جان خود را از دست دادند. در تمام دنیا، مسئول اصلی کنترل کیفیت هوا دولت ها هستند. بر این اساس، این وظیفه حکومت اسلامی است که سلامت شهروندان خود را از هر حیث تضمین کند. اقداماتی از قبیل انتقال کارخانه ها به حاشیه شهرها، جمع آوری به موقع زباله، جمع آوری اتومبیل های فرسوده از سطح خیابان ها، تامین اتوبوس های مور نیاز برای تسریع در رفت و آمد شهروندان با وسایل نقلیه عمومی، افزایش فضای سبز و پاکسازی محیط زیست و غیره از ابتدایی ترین وظایفی است که نهادهای حکومتی موظف به انجام آن هستند.

طبق آمار رسمی دولت قزاقستان، در طول ۴۰ سال ۴۹۶ بمب اتمی در خاک این کشور آزمایش شده است. بیش از نیم میلیون از جمعیت ۱۶ میلیونی این جمهوری تحت تاثیر تشعشعات رادیو اکتیو قرار گرفته اند و از دولت مقرری ناچیزی دریافت می کنند.

در سال ۱۹۴۹، در سمی پلاتینسک قزاقستان نخستین بمب اتمی آزمایش شد. مردم قزاقستان در آن زمان درباره خطر تشعشعات رادیو اکتیوی این آزمایش ها آگاهی نداشتند. امروزه بسیاری از آن ها از بین رفتن سلامتی خود را ناشی از این آزمایش های هسته ای سابق می دانند.

میزان مبتلایان به سرطان خون در میان کودکان ۱۰ برابر و در میان افراد بالغ ۵ برابر برآورد می‌شود. مرکز آزمایش های اتمی شوروی سابق در ۲۹ اوت سال ۱۹۹۱ رسماً بسته شد.

یوسف پیلتن، روزنامه نگار ایرانی و مدیر ویسایت «قزاقستان» که سال هاست در این کشور اقامت دارد، در گفتگو با بخش فارسی دوپچه‌وله درباره پیامدهای آزمایش‌های اتمی در قزاقستان و وضعیت کنونی آن چنین توضیح می‌دهد: «آزمایش های هسته ای در بین استان های سمی پلاتینسک و استان کاراگاندا صورت گرفته و امروزه هم ما در این استان ها آثار این فاجعه را می بینیم. پس از ۶۰ سال هم اثرات تشعشعات را می توان روی مردم دید. بسیاری از مردم سمی پلاتینسک عینک می زنند، کودکان بدون دست و پا و ناقص به دنیا می آیند. عقب ماندگی ذهنی در میان آن ها بسیار زیاد هست. در مناطقی که انفجار هسته ای انجام گرفته دریاچه ای به وجود آمده که مردم به آن دریاچه شیطان می گویند.»

نمونه قزاقستان، شامل حال همه کشورهای است که دارای نیروگاه های اتمی و بمب اتمی و دیگر سلاح های شیمیایی و فسقوری کشتار جمعی هستند.

در تاریخ برای اولین بار، دولت وقت آمریکا بود که بمب اتم را علیه مردم ژاپن به کار برد. ۶۴ سال پیش، ۶ ماه اوت، نخستین بمب اتم شهر هیروشیما را با خاک یکسان کرد و جان ۱۴۰ هزار نفر از ساکنان آن را گرفت.

بر اساس آمارهای تخمینی، ۱۴۰ هزار نفر در جریان فاجعه اتمی هیروشیما جان خود را تنها در عرض چندین ماه از دست دادند. سه روز پس از این واقعه، در روز ۹ ماه اوت، دومین بمب اتم ارتش آمریکا به شهر ناکازاکی اصابت کرد. این حادثه نیز منجر به مرگ ۷۰ هزار نفر شد. در روز ۱۵ اوت سال ۱۹۴۵ سرانجام ارتش ژاپن تسلیم شد.

با وجود گذشت چندین دهه از فاجعه اتمی هیروشیما و ناکازاکی، هم چنان پیامدهای بمب اتم سالانه جان هزاران نفر را می گیرد. این افراد عمدتاً مبتلا به انواع مختلف سرطان از جمله سرطان خون می شوند.

سرانجام رویتز، درباره نتایج اجلاس کپهاگ نوشت: «در پایان اجلاس مهم سران در کنفرانس آب و هوا، کشورهای اروپایی با پیمان کپهاگ با بی میلی برخورد کردند و برخی از آن ها بسیار منتقد بودند. اتحادیه اروپا می‌گوید با این توافقنامه آن ها سرخورده شدند. نخست وزیر سوئد، فردریک راین فلد که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را دارد گفت: این يك موافقت نامه کامل نیست و تهدید آب و هوا را حل نخواهد کرد. وی گفت تهدیدات آب و هوا تهدیدی برای نوع بشر می باشد. نماینده سودان در

این اجلاس گفت: اجرای قرارداد آب و هوا در آفریقا مثل هولاکوست خواهد بود زیرا عامل سیل، خشکسالی، رانش زمین و بالا آمدن سطح دریا خواهد بود. اظهارنظر وی توسط بسیاری از نمایندگان کشورهای از جمله اسپانیا و انگلستان تکرار شد. در شرایطی که فجایع زیست محیطی کره زمین و ساکنان آن را تهدید می کند، بیش از ده هزار نماینده از یکصد و نود و سه کشور جهان در اجلاس کپنهاگ شرکت کرده بودند و بزرگ ترین گردهمایی بین المللی محسوب می شود به هیچ توافق و دستاورد مهمی نرسیدند. گفته می شود که به ویژه نمایندگان آمریکا و چین، حتی ترمزهای اصلی این اجلاس بودند. این مساله یک بار دیگر نشان داد که سیستم سرمایه داری جهانی و دولت هایشان، قبل از این که به منافع و زیست و زندگی شهروندان خود و به طور کلی شهروندان جهان اهمیت دهند به فکر رقابت های اقتصادی و سیاسی و نظامی خود و کسب سود بیش تر هستند.

پس از ناکامی اجلاس کپنهاگ، انتقادهای تنها به سران کشورهای و دولت های شرکت کننده در این اجلاس محدود نمانده، بلکه بیش از همه متوجه خود سازمان ملل متحد نیز شده است. برای نمونه، جو لاینن، مدیر هیات نمایندگی پارلمان اروپا، از «ناکارایی عمیق روش های سازمان ملل» سخن گفته و افزوده که این نهاد بین المللی نیازمند اصلاحات همه جانبه است. این اولین بار نیست که سازمان ملل با چنین انتقادهای تندی مواجه می شود. پیش از جمله نظامی آمریکا به عراق نیز سازمان ملل با انتقادهای جدی روبرو شده بود. اساسا شورای امنیت سازمان ملل، متشکل از قدرت های دارای حق وتو، یعنی آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه این سازمان را هدایت می کنند. بنابراین، سازمان ملل بیش از پیش و به ویژه پس از فروپاشی شوروی، به ابزاری برای پیش برد اهداف اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی قدرت های بزرگ تبدیل شده و از اهداف اولیه خود در جهت دفاع از حقوق انسان ها، کمک به کشورهای آسیب دیده و فقیر، دفاع از محیط زیست، جلوگیری از بروز جنگ و غیره ناتوان شده است.

اساسا فجایع سرمایه داری تنها به تخریب محیط زیست محدود نمی شود و تمام عرصه های زندگی انسان را در برمی گیرد. اخیرا بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، طی سخنانی در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کشاورزی و خوارو بار جهانی FAO، گفته بود: «بحران خوار بار جهانی امروز باید زنگ خطری برای آینده باشد.» وی گفت که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت کره زمین به ۹/۱ میلیارد تن خواهد رسید. این افزایش کمی جمعیت در حالی به وقوع خواهد پیوست که هم اکنون بیش از یک میلیارد تن در جهان از گرسنگی رنج می برند. وی برای برخورد با این چالش بزرگ، بر آورد کرد که تا سال ۲۰۵۰ تولیدات غذایی باید به میزان ۷۰ درصد در جهان افزایش یابد.»

باین ترتیب، انسان های آزاده، به ویژه مزدبگیران نباید به چنین کنفرانس هایی دل خوش کنند و منتظر پی عملی ها و وعده های پوچ و دروغین دولت های سرمایه داری شوند. از این رو، محرومان، ستم دیدگان و استثمارشدگان جهان، تنها با همبستگی انسانی و طبقاتی خود و با مبارزه طبقاتی پیگیر و مداوم علیه سیستم سرمایه داری و دولت های آن ها می توانند هم وضع موجود را به نفع کل بشریت تغییر دهند و هم جلو فجایع انسانی و از جمله تخریب محیط زیست را بگیرند.

بیست و نهم آذر ۱۳۸۸ - بیستم دسامبر ۲۰۰۹